

طراحی الگوی سیاست‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش*

مهدی نوید ادهم^۱ * علیرضا صادق‌زاده قمصری^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر، طراحی الگوی سیاست‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، کیفی بوده و مبتنی بر رویکرد گراند تئوری، با مراجعه به اندیشمندان و خبرگان موضوع و پیگیری مراحل سه‌گانه کدگذاری، الگوی نهایی ارائه شده است. جامعه آماری، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش نهادهای دولتی و غیردولتی، اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزیر، معاونین، مدیران و کارشناسان ارشد وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های متبوع در ایران هستند. با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و رعایت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، به ۵۰ خبره مراجعه شد. ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از فیش‌برداری، مصاحبه و پرسشنامه است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. الگوی نهایی، مبتنی بر یافته‌های علمی و پژوهشی، تجزیه و تحلیل الگوهای سیاست‌گذاری مشابه در داخل و خارج و تجربیات پژوهشگر در ۲۲ مؤلفه ارائه شد. درجه تناسب الگو ۴/۱۵۳ از ۵ بوده و با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری فرهنگی، مدیریت فرهنگی و الگوی مفهومی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره پانزدهم • تابستان ۹۴ • صص ۱۵۳-۱۳۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۳/۳۱

* عنوان تحقیق تا حد زیادی با سند تحول آموزش و پرورش همپوشانی دارد و نویسنده مقاله نیز به‌عنوان یکی از مجریان در این طرح مشارکت داشته است.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات (mahnavid@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول (ali_sadeq@modares.ac.ir).

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی و تأثیرگذار در پایداری، پویایی و بازتولید فرهنگ و ارزش‌های مسلط جامعه است، ارزش‌هایی که نظام فرهنگی آنها را برای بقا و ادامه کارکردهای اصلی جامعه ضروری می‌داند. بسیاری از کژکارکردهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آدمیان، ریشه در باورها، افکار و رفتار آنان دارد و مناسب‌ترین سن برای بازسازی، تقویت و نهادینه‌سازی اندیشه‌ها و باورهای درست و اصلاح افکار و رفتارهای غلط، سنین «آموزش مدرسه‌ای» است. آموزش و پرورش هم از طریق کارکرد فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری و هم از طریق ارتقا، پرورش و رشد حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، محور و قلب توسعه فرهنگی است. آموزش و پرورش می‌تواند فرصتی برای تمرین مشارکت، اعتلای فرهنگی، تربیت فرهنگی، هنری، همزیستی صحیح و سالم، برابری و برادری و وحدت به حساب آید و به‌عنوان یکی از نهادهای مهم هویت‌یابی افراد جامعه محسوب شود. هر نظامی تلاش می‌کند ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های خود را در جامعه نهادینه سازد و به نسل‌های آینده منتقل کند. «آموزش و پرورش، به خودی خود یک مسئله نیست، بلکه جزء لاینفک مسئله اجتماع است (لوتان، ۱۳۷۸).

فرهنگ، وابسته به سرزمین و زیست‌بوم آدمیان است و سیاست‌گذاری فرهنگی باید متناسب با شرایط و اقتضانات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم هر سرزمین صورت پذیرد. افزون بر آن، سیاست‌گذاری فرهنگی در کشوری مانند ایران، که کشور چندفرهنگی بوده و دارای حکومت دینی است، باید مبانی معرفتی و فلسفی و الزامات مکتب فکری حاکم بر این کشور کهن و با سابقه تاریخی چند هزار ساله را در نظر داشته باشد و تمام این مؤلفه‌ها، عناصر و عوامل، آگاهانه و هوشمندانه در الگوی سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرند. اما متأسفانه سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور ما، علی‌رغم وجود نهادها و دستگاه‌های متعدد، فاقد الگوی معتبر بومی است. اکثر الگوهای

که گاه مورد استفاده قرار می‌گیرند، وارداتی و ترجمه‌ای هستند که فرهنگ زادگاه خویش را به همراه داشته و متناسب با اقتضائات و شرایط آن دیار و در پاسخ به نیازها و مسائل مردم آن زمان و مکان، طراحی و تدوین شده‌اند. بنابراین صاحب‌نظران و کارشناسان حاضر در مراکز و محافل سیاست‌گذاری کشور، بدون در اختیار داشتن الگوی بومی متقن و معتبر و براساس تجربیات زیسته شخصی خویش در این کار مهم و سرنوشت‌ساز مشارکت می‌کنند.

سیاست‌گذاری فرهنگی، تدوین اصول راهنمای تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و انجام اقدامات فرهنگی است که در زندگی فرهنگی مؤثرند. نهادهای حکومتی و سازمان‌های وابسته فرهنگی معمولاً بیشترین نقش را در تعیین سیاست‌گذاری فرهنگی دارند. میزان دخالت و مشارکت بخش خصوصی در این حوزه به میزان حاکمیت فضای دموکراتیک در جامعه بستگی دارد. یک سیاست فرهنگی متضمن وجود اهداف نهایی (بلندمدت)، اهداف کوتاه‌مدت و عینی (میان‌مدت و بخش‌پذیر) و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف (انسان، سرمایه‌ها، قانون و...) است که در مقابل یک سیستم به هم پیوسته و به هم مرتبط، ترکیب شده است. سیاست‌گذاری فرهنگی دربرگیرنده طیف وسیعی از اقدامات مرتبط با توسعه زندگی فرهنگی است، اما آنچه بیشتر برنامه‌ریزی فرهنگی را پیچیده و بغرنج می‌کند، رابطه میان سیاست‌گذاری فرهنگی و هدف‌های فرهنگی از یک سو و ارتباط مستقیم برنامه‌ریزی فرهنگی با سیاست فرهنگی از سوی دیگر است. از طریق برنامه‌ریزی فرهنگی، نظام‌های سیاسی و فرهنگی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ پیدا می‌کنند. در یک نگاه کلی، برنامه‌ریزی فرهنگی چارچوبی راهبردی، هدفمند و عینی برای دستیابی به توسعه فرهنگی با توجه به سیاست‌های فرهنگی است. باور محقق در این پژوهش آن است که آموزش و پرورش، نقش اساسی در پیشرفت و توسعه کشور دارد و بالندگی و پویایی جامعه - به‌ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی - به اثربخشی و پویایی آموزش و پرورش و سیاست‌های آن وابسته است. بنابراین در این تحقیق، ضمن بیان اهمیت آموزش و پرورش، به تبیین و طراحی الگوی سیاست‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش خواهیم پرداخت و درصدد پاسخ به این سؤال خواهیم بود: چگونه می‌توانیم الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش و پرورش را طراحی کنیم؟

علی‌رغم اینکه یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت، قوانین و

مقررات حاکم در نظام آموزشی و مدارس است و اینکه قوانین و مقررات، از سیاست‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی و اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم نشأت می‌گیرند، تا کنون الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی مدون و معتبر بومی در آموزش و پرورش، وجود نداشته و قوانین و مقررات آموزشی و تربیتی، براساس دانش فردی و تجربه زیسته افراد تدوین و تصویب شده است. الگوهای موجود نیز اکثراً غیربومی و ترجمه‌ای بوده و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی - به‌ویژه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - در آنها لحاظ نشده است. بنابراین از پایایی و اعتبار لازم برخوردار نبوده و مشروعیت و مقبولیت لازم را کسب نکرده و با تغییر افراد و دولت‌ها، آنها نیز تغییر کرده‌اند. این تغییرات پایایی، مدارس و نظام آموزشی را با مشکلات و چالش‌های اساسی و مزمن روبه‌رو ساخته است. شورای عالی آموزش و پرورش، به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری در این نهاد سرنوشت‌ساز، با سابقه طولانی بیش از ۱۱۷ سال، متأسفانه فاقد این الگوست. طراحی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی بومی برای آموزش و پرورش، بر مبنای نظریه‌ها و اقتضائات فرهنگ اسلامی - ایرانی، می‌تواند به این نابسامانی پایان داده و دستیابی به قوانین و مقررات آموزشی و تربیتی کارا و اثربخش را تسهیل کند.

۱. پیشینه تحقیق

هرچند پژوهش در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، به‌ویژه در عرصه آموزش و پرورش، بسیار نوپاست، اما به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان اشاره کرد:

- عالمی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «جایگاه ابزارهای سیاست‌گذاری در مهندسی فرهنگی کشور» می‌نویسد: سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان مهندسی فرهنگی، تنها هنگامی می‌تواند اهداف مطلوب فرهنگی را در جامعه محقق کند که ابزارهای سیاست‌گذاری را به‌طور فرابخشی و جامع برگزیند. ابزارهای سیاست‌گذاری متعددند که همه آنها را می‌توان به هشت گونه اساسی تقسیم کرد و همه سیاست‌ها ترکیبی از این هشت گونه پایه هستند. در راستای انتخاب بهینه و صحیح ابزارها، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که با ارائه رویکردهای گوناگون، جامعیت و تناسب ابزارهای انتخابی در سیاست‌گذاری فرهنگی را تضمین می‌کند.

- معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶) با اختصاص شماره ۴ فصلنامه «پژوهشنامه» به این موضوع، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام

آموزشی (آموزش و پرورش) را در محور مباحث خود قرار داده است. کلیات این پژوهشنامه تأکید بر این موضوعات دارد: نگاهی مقدماتی به اقتصاد آموزش و پرورش در ایران، ۲. آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور، امکانات و کاستی‌ها، ۳. ارزیابی شیوه‌های تعامل بین معلم و دانش‌آموز بر اساس شاخص‌های فرهنگی، ۴. نقش شوراهای اسلامی و نهادهای فرهنگی در افزایش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، ۵. تمرکزگرایی و تمرکززدایی در نظام آموزشی، ۶. سیاست‌گذاری آموزشی؛ بررسی مدل‌هایی در انگلستان و پژوهش آموزشی و سیاست آموزشی.

- مشبکی و خادمی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی» نتایج بررسی را چنین بیان می‌دارند: سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ، ضرورت انجام یا امتناع، حدود و عرصه‌های آن، نهادهای مداخله‌کننده، نوع ارتباط و همکنشی آنها، نظریه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی (سازگاری با محیط بومی)، مدل‌ها، روش‌ها و... برخی مشکلات و پرسش‌های اساسی است که اکنون مدیریت عرصه فرهنگی کشور به گونه‌ای جدی با آنها مواجه است. با توجه به اینکه سند بیست ساله نظام، افق روشنی را برای جایگاه ایران در سال ۱۴۰۴ ترسیم کرده، لازم است در حوزه‌های علمی، فناوری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هدف‌گذاری‌های مناسب صورت گیرد و استراتژی‌های رسیدن به این اهداف تدوین شود. در مجموعه سیاست‌گذاری‌های عمومی، سیاست‌های فرهنگی بالاترین اهمیت را دارد. از این رو در نگاه یونسکو (۱۹۹۸) فرهنگ و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نه در حاشیه، بلکه در کانون فرایند توسعه پایدار کشورها تعریف می‌شود. در کشور ما، به دلیل تعدد مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی و به دلیل نبود الگوی جامع و مشخص برای سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، ابهام فراوانی در مسئولیت‌های فرهنگی وجود دارد و تداخل و انسجام زیادی در برنامه و طرح‌های فرهنگی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، آسیب‌شناسی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور در دوران بعد از انقلاب اسلامی گامی ضروری، پیش از آغاز هر اقدامی، به نظر می‌رسد.

- جانباز و بیات (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی مبانی و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» می‌نویسند: آنچه در چارچوب تئوریک این پژوهش قرار می‌گیرد، بحث ناخودآگاه فکر ایرانی و تداوم فرهنگ ایرانی

است که با توجه به روش‌شناسی انتقادی قصد واکاوی و بررسی مبانی سیاست‌گذاری فرهنگی، آسیب‌شناسی آن و بالاخره ارائه یک نتیجه‌گیری موافق سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران را دنبال می‌کنیم.

- فرخی (۱۳۹۳) در رساله دکتری با عنوان «الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران» اعلام می‌دارد: یکی از واقعیت‌هایی که در فضای کنونی نظام جهانی، فرهنگ و نهادهای فرهنگی (مانند مساجد) را به شدت تحت تأثیر قرار داده، قدرت سیاسی یا حکومت است. به عبارت دیگر امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد. همین امر به نظر می‌رسد مسئله اصلی است که مساجد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون دست به گریبان آن بوده‌اند. به عبارت دیگر چالش جدی در حوزه مساجد همانا فقدان سیاست‌گذاری واحد پیرامون این نهادهای دینی (تعیین حدود و ثغور مداخله حکومت در حوزه مسجد) است. به همین دلیل در این پژوهش، محقق جهت سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب پیرامون حوزه مسجد مقدم بر هر چیز سیر سیاستی حکومت پیرامون مسجد در طول چهار دهه از جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۷) مورد بررسی قرار داده است.

- صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «الگوهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی» ضمن تأکید بر انواع سه‌گانه الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی در قالب الگوهای یکسان‌سازی فرهنگی، تکثرگرایی فرهنگی و وحدت در تکثر فرهنگی، اعلام می‌دارند: برخی از محققان به جای الگوهای برنامه‌ریزی فرهنگی، از «سرمشق‌های فرهنگی» نام می‌برند.

۲. سؤالات تحقیق

سؤالاتی که در این مقاله عباتند از:

۱. اجزا و مؤلفه‌های اصلی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران کدامند؟
۲. رابطه اجزا در الگوی سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش چگونه است؟
۳. وضعیت موجود سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش چگونه است؟

۴. موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش چیست؟
۵. الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش چگونه است؟
۶. درجه تناسب الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان چه میزان است؟

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر در حوزه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. تحقیقات کیفی عموماً با مرور گسترده منابع آغاز نمی‌شوند و حتی عده‌ای معتقدند که هیچ‌گونه مروری نباید صورت گیرد. علت این است که انجام مرور به محقق اطلاعات و دیدگاه‌هایی می‌دهد که در نحوه کار او و در انجام تحقیق و جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات تأثیر می‌گذارد و دیگر اینکه ممکن است باعث شود که محقق شرکت‌کنندگان در تحقیق را به‌سوی آنچه در مرور به آن پی برده، سوق دهد (پرویزی و دیگران، ۱۳۸۶). در این پژوهش مبتنی بر رویکرد گراند تئوری، با مراجعه به اندیشمندان و خبرگان موضوع و پیگیری مراحل سه‌گانه کدگذاری، مدل‌نهایی ارائه شده است. همچنین از طریق تست خبرگان مؤلفه‌ها مورد اعتبارسنجی مجدد قرار گرفت. در ابتدا تعدادی از نخبگان و خبرگان حوزه تعلیم و تربیت شناسایی شدند، سپس هدف پژوهش، سؤالات و فرایند تحقیق برای ایشان تبیین و تشریح شد. فرم پرسشنامه در اختیار ایشان قرار گرفت و در قالب مصاحبه و پرسشنامه نظرات آنان اخذ شد. پس از انجام مصاحبه‌ها به‌منظور استخراج مفاهیم اصلی، نوار ضبط شده عیناً تایپ شد. سپس تم‌های مربوط به گزاره‌های هر مصاحبه استخراج و در جداول مربوطه درج شد. این مرحله در سایر مصاحبه‌ها نیز تکرار و گاه دو یا چندتم مشابه با تم بهتر جایگزین شد. مبتنی بر روش تحقیق انتخاب شده در این پژوهش، از روش‌های نمونه‌گیری گلوله برفی و مبتنی بر هدف استفاده شده است. در این پژوهش با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و رعایت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف به ۵۰ خبره در زمینه آموزش و پرورش مراجعه شد. از آنجایی که داده‌های جدیدی به دست نیامد، کار تجزیه تحلیل نظرات خبرگان آغاز شد. مدل پیشنهادی مبتنی بر نظرات خبرگان اصلاح و در پایان مدل اصلاح شده و نهایی ارائه شد. با توجه به ماهیت و موضوع تحقیق، جامعه آماری در این تحقیق مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش نهادهای دولتی و غیردولتی، اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و آموزش و پرورش، وزیر، معاونین، مدیران و کارشناسان ارشد در

وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های متبوع در ایران هستند. گردآوری داده‌ها در روش گراند تئوری دو گونه است: بخشی حاصل جمع‌آوری و ثبت و ضبط مصاحبه‌هاست و بخش دیگر تجارب شخصی، ادبیات موجود و تحلیل و مقایسه آنها. همچنین مقالات و آمارهای بین‌المللی در خصوص سیاست‌گذاری فضای مجازی و مؤلفه‌های آن مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوهای انجام شده در حوزه‌های دیگر سعی دارد نقاط قوت مدل‌های خط‌مشی‌گذاری در سایر حوزه‌ها را شناسایی کرده و به کار بندد. بررسی کتب و مقالات جمع‌آوری شده در خصوص فلسفه فناوری و راه‌حل‌های مواجهه با آن، یکی دیگر از ادبیات تحقیق مرتبط با مسئله بوده است. بنابراین با توجه به ماهیت تحقیق، روش گردآوری داده‌ها با استفاده از روشی ترکیبی صورت گرفته است: ۱. روش کتابخانه‌ای در مرحله ادبیات تحقیق، ۲. روش گراند تئوری جهت تحلیل داده‌ها به منظور تدوین مدل نهایی و ۳. تست خبرگان در مرحله اعتبارسنجی ابعاد و مؤلفه‌های مدل نهایی. ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از فیش‌برداری، مصاحبه و پرسشنامه است. پرسشنامه‌ای نیز به منظور تعیین درجه تناسب الگوی پیشنهادی توسط صاحب‌نظران تکمیل شد که از نه شاخص اعتبارسنجی تشکیل شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها جمع‌آوری شده از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱ فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش را بر حسب متغیرهای میزان تحصیلات، سابقه فعالیت در آموزش و پرورش، رشته تحصیلی و جایگاه سازمانی نشان می‌دهد. تمامی نمونه‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری هستند، هرچند وزن نمونه‌های کارشناسی ارشد بیشتر است. بیش از ۵۰ درصد از نمونه‌های پژوهش بین ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه فعالیت در آموزش و پرورش دارند که نشان‌دهنده اشراف آنها به موضوعات تربیتی است. با نگاهی به جایگاه سازمانی این نمونه‌ها، درمی‌یابیم که درصد قابل توجهی (۳۶ درصد) از این افراد مشاور و معاون وزیر آموزش و پرورش یا مدیر کل هستند. «علوم تربیتی» و «مدیریت» رشته تحصیلی ۹۰ درصد از نمونه‌های پژوهش بوده است.

جدول ۱. فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

N=۳۰		متغیر	
درصد	تعداد		
۲۳/۳۴	۱۳	دکتری	میزان تحصیلات
۷۶/۶۶	۱۷	کارشناسی ارشد	
۳/۳۵	۱	۶ تا ۱۰ سال	سابقه فعالیت در آموزش و پرورش
۵۶/۶۶	۱۷	۱۱ تا ۱۵ سال	
۳۳/۳۳	۱۰	۱۶ تا ۲۰ سال	
۶/۶۶	۲	بالاتر از ۲۰ سال	
۱۶/۶۶	۵	معاون و مشاور وزیر	جایگاه سازمانی
۲۰	۶	مدیر کل	
۳۳/۳۴	۱۰	کارشناس مسئول	
۳۰	۹	کارشناس	
۵۲/۳۴	۱۶	علوم تربیتی	رشته تحصیلی
۳۶/۶۶	۱۱	مدیریت	
۱۰	۳	سایر	

۱-۴. اجزا و مؤلفه‌های اصلی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و

پرورش

مؤلفه‌های اصلی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱. کلیات و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران: این مجموعه براساس اسناد بالادستی مانند قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی ازسوی مقام معظم رهبری تعیین می‌شود.
 ۲. مبانی و مطالعات نظری: مبانی نظری شامل تدوین فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و فلسفه آموزش و پرورش می‌شود و مباحثی نظیر مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، دین‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مبانی فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد.

۳. مؤلفه‌های اصلی نظام آموزش و پرورش: این مؤلفه‌ها عوامل دروندادی و فرایندی مانند ساحت‌های تعلیم و تربیت، زیرنظام‌های آموزش و پرورش، سطوح آموزش، آموزش‌های خاص، ساختار آموزشی، نظام ارزشیابی و... را شامل می‌شود.

۴. عوامل محیطی و پیرامونی: برخی از محیط‌های حاکم بر آموزش و پرورش که عملکرد آنها نظام تعلیم و تربیت را متأثر می‌کند، عبارتند از: محیط اداری، اجرایی، دولتی،

عمومی، محیط حقوقی، قضایی و تأمینی، محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی و محیط بین‌المللی و منطقه‌ای.

۵. ویژگی‌ها و شرایط استان‌ها و ذی‌نفعان: سیاست‌گذاری در نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد گسترده و فراگیر، نیازمند شناخت ویژگی‌ها و شرایط ذی‌نفعان به‌ویژه خانواده‌ها و نیز شرایط متنوع و متکثر آموزش و پرورش استان‌های کشور مبتنی بر آمایش سرزمین و اقتضائات فرهنگی، قومی، اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای است.

۶. رهنامه آموزش و پرورش: رهنامه حاوی دلالت‌های مبانی نظری در میدان عمل و اجرایی است و چارچوب‌های مناسب برای تدوین بیانیه ارزش‌ها، سیاست‌های اجرایی و عملیاتی را در اختیار می‌گذارد.

۷. بیانیه ارزش‌ها: گزاره‌های تجویزی و تبیینی که نگرش و دیدگاه نظام جمهوری اسلامی را درباره عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت مشخص می‌کند. این بیانیه از مبانی نظری و فلسفی و نیز مفاهیم رهنامه، استنباط و استخراج می‌شود.

۸. بیانیه مأموریت: مأموریت نظام آموزش و پرورش عبارت است از: مجموعه اهداف (ویژگی‌های انسان مطلوب) و وظایف (ناظر به تحقق شرایط و اقتضائات، تأمین ابزارها، وسایل و امکانات) که با تحقق آن افراد آماده دستیابی به مراتبی از حیات طیبه شده و شایسته ایفای نقش‌های مفید فردی و اجتماعی در عرصه‌های توسعه ملی و در تعامل با تحولات محیطی منطقه‌ای و جهانی می‌گردند. مأموریت در تعامل مستمر با چالش‌های اساسی، راهنمای تدوین چشم‌انداز نظام آموزش و پرورش کشور است.

۹. بررسی مؤلفه‌های نظام آموزش و پرورش: این مؤلفه‌ها با توجه به عوامل دروندادی و فرایندی مانند ساحت‌های تربیتی (شامل اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیبایی‌شناسی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناورانه) و زیرنظام‌های اصلی (شامل برنامه درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، راهبری و مدیریت، تأمین و تخصیص منابع مالی، تأمین فضا و تجهیزات و فناوری، پژوهش و ارزشیابی) و سطوح آموزش (دوره‌های تحصیلی پیش‌دبستانی، ابتدایی و متوسطه) و آموزش‌های خاص (شامل کودکان استثنایی، استعداد‌های برتر و تیزهوشان، فنی و حرفه‌ای، عشایری و بزرگسالان) می‌شود.

۱۰. بررسی عوامل محیطی: محیط‌های تأثیرگذار بر فرایند تعلیم و تربیت به محیط

اداری، اجرایی، دولتی و عمومی و محیط حقوقی، قضایی و تأمینی و محیط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و محیط بین‌المللی و منطقه‌ای قابل تقسیم‌بندی است.

۱۱. بررسی شرایط استانی و ذی‌نفعان: با توجه شرایط متنوع و متکثر استان‌های کشور، بررسی اقتضائات آنها از منظر اقلیمی، قومی، مذهبی، اقتصادی فرهنگی و اجتماعی، مبتنی بر آمایش سرزمین ضروری است. همچنین بررسی شناخت ویژگی‌های ذی‌نفعان، به‌ویژه خانواده‌ها، اجتناب‌ناپذیر است.

۱۲. بررسی چالش‌ها: چالش‌ها، تنگناهای فراروی نظام آموزش و پرورش در تحقق مأموریت است. شناخت مجموعه چالش‌ها در تعامل با مأموریت نظام آموزش و پرورش کشور، حوزه‌ها و روندهای نیازمند تغییر در این نظام را جهت تربیت انسان مطلوب تعیین می‌کند.

۱۳. چشم‌انداز: معرف وضع مطلوب دست‌یافتنی است که با الهام از وضعیت آرمانی انعکاس‌یافته در رهنامه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و تحت تأثیر چالش‌ها، ترسیم می‌شود و تصویری از مقاصد نظام آموزشی در افق ۱۴۰۴ ارائه می‌دهد.

۱۴. سیاست‌های کلان: در سیاست‌های کلان، گزاره‌های تجویزی مبتنی بر مبانی نظری و رهنامه و برآمده از چالش‌ها هستند که در تمام مراحل، ناظر و حاکم بر فرایند طراحی و اجرای برنامه‌ها خواهند بود؛ سیاست‌هایی مانند کاهش تمرکز، مشارکت‌پذیری، بهینه‌سازی منابع انسانی، بهبود و ارتقای مدیریت، مدرسه‌محوری، حاکمیتی بودن، مدیریت بهینه منابع و مصارف و مواجهه هوشمندانه با فناوری‌های نوین.

۱۵. اهداف کلان؛

۱۶. راهبردهای کلان: راهبردها، سیاست‌ها و راهکارهای اساسی است که اعمال آنها متضمن تغییرات اساسی محتوایی و ساختاری در تعامل با تحولات محیطی است و موجب تحقق چشم‌انداز نظام آموزش و پرورش کشور می‌شود.

۱۷. اهداف عملیاتی؛

۱۸. راهکارهای اجرایی؛

۱۹. برنامه زیرنظام‌های آموزش و پرورش؛

۲۰. برنامه‌های دوره‌های تحصیلی؛

۲۱. برنامه‌های استانی؛

۲۲. برنامه‌های میان‌مدت (برنامه‌های پنج ساله)؛

۲۳. برنامه‌های سالانه آموزش و پرورش.

۲-۴. رابطه اجزا در الگوی سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش

از آنجا که در تحقیق گراند تئوری، محقق باید بین مؤلفه‌ها و مقوله‌های محوری ارتباط سیستمی ایجاد کند، در این مرحله از روش رایج در تولید و تحلیل سیستم، به نام روند جریان کار و روند جریان داده‌ها (DFD) استفاده شد که حاصل آن ایجاد ارتباط بین مؤلفه‌ها در ریزمدل‌های پیشنهادی آمده است. نکته قابل تأمل آن است که تمام این تعاملات و ارتباطات، در چارچوب مبانی نظری و مبتنی بر مفاهیم رهنامه صورت می‌پذیرد تا انسجام مفهومی الگوی یکپارچگی درونی و بیرونی دستاوردهای آن حفظ شود. دیگر اینکه ارتباط بین مؤلفه‌ها و عناصر هم از بالا به پایین برقرار است و هم از پایین به بالا و این ارتباط دوسویه، اتقان و اعتبار الگو را افزون می‌کند.

۳-۴. وضعیت موجود سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش

شورای عالی آموزش و پرورش، براساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه، مسئولیت سیاست‌گذاری را برعهده دارد (ماده یک قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۷). براساس این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، موضوعات نیازمند سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری، توسط ریاست جمهور یا هشت نفر از اعضای شورای عالی و یا وزیر آموزش و پرورش، در اختیار دبیرکل شورا قرار می‌گیرد. پس از بررسی کارشناسی موضوع در کمیسیون‌های تخصصی، نتیجه به شورای عالی گزارش می‌شود و بعد از بحث و بررسی و تصویب در صحن علنی شورا، مصوبه جلسه با امضای رئیس جمهور، به‌عنوان سیاست و قانون مصوب در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. این مصوبات برای تمام مراکز و مؤسسات آموزشی لازم‌الاجراست. علاوه بر آن، مراجع بالادستی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و هیئت دولت و شوراها و کمیسیون‌های وابسته به آن، به فراخور شرح وظایف و اختیارات خود، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خرد و کلان را در حوزه تعلیم

و تربیت، تدوین و تصویب کرده و جهت اجرا در اختیار آموزش و پرورش قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، لایحه برنامه پنج ساله توسعه کشور و نیز برنامه سالانه دولت، توسط دولت و با مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله وزارت آموزش و پرورش، تنظیم و توسط مجلس شورای اسلامی، بررسی و تصویب شده و جهت اجرا ابلاغ می‌شود. سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله هم توسط مجمع تشخیص مصلحت تدوین و مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شود. این مجموعه‌ها، حاوی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان و خرد برای دستگاه‌ها، از جمله آموزش و پرورش است. افزون بر آن، در درون آموزش و پرورش، شورای معاونان وزارت، شورای آموزش و پرورش استان‌ها، شورای آموزش و پرورش مناطق، شورای مدرسه، در چارچوب قوانین و مقررات و براساس اختیارات و وظایف قانونی خویش، می‌توانند سیاست‌های اجرایی و عملیاتی را تنظیم و برای اجرایی شدن آنها، برنامه‌ریزی کنند. بخشی از سیاست و خط‌مشی‌های تخصصی، به‌ویژه سیاست‌های اجرایی در حوزه مسائل خاص آموزش و پرورش، براساس قوانین، توسط مراجعی مانند شورای مدارس استعدادهای برتر و تیزهوشان، شورای آموزش و پرورش کودکان استثنایی، شورای مدارس غیردولتی و... اتخاذ می‌شود.

۴-۴. موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش

علی‌رغم بیش از یک سده سابقه سیاست‌گذاری آموزشی در کشور، فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش، از مشکلات عدیده و مزمن رنج می‌برد که این امر، اثربخشی نظام آموزشی را کاهش داده و آن را با چالش‌های فراوان روبه‌رو کرده است. برخی از این چالش‌ها و موانع عبارتند از:

۱. فقدان الگوی سیاست‌گذاری کارآمد و اثربخش، ۲. تعدد مراجع و مراکز سیاست‌گذار و ناهماهنگی مفهومی و روشی بین آنها، ۳. ضعف دانش فنی و توان کارشناسی و تخصصی در حوزه سیاست‌گذاری، ۴. تعدد و تکثر سیاست‌ها و گاه تعارض و تراحم آنها با هم، ۵. حاکمیت نگاه بالا به پایین و مشارکت حداقلی مخاطبان و مجریان در فرایند سیاست‌گذاری، ۶. تمرکزگرایی افراطی، ۷. انعطاف‌ناپذیری و واکنش حداقلی به اقتضائات و تفاوت‌های اقلیمی، قومی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، ۸. مشارکت اندک ذی‌نفعان، به‌ویژه معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها، ۹. فقدان سیاست پژوهشی و

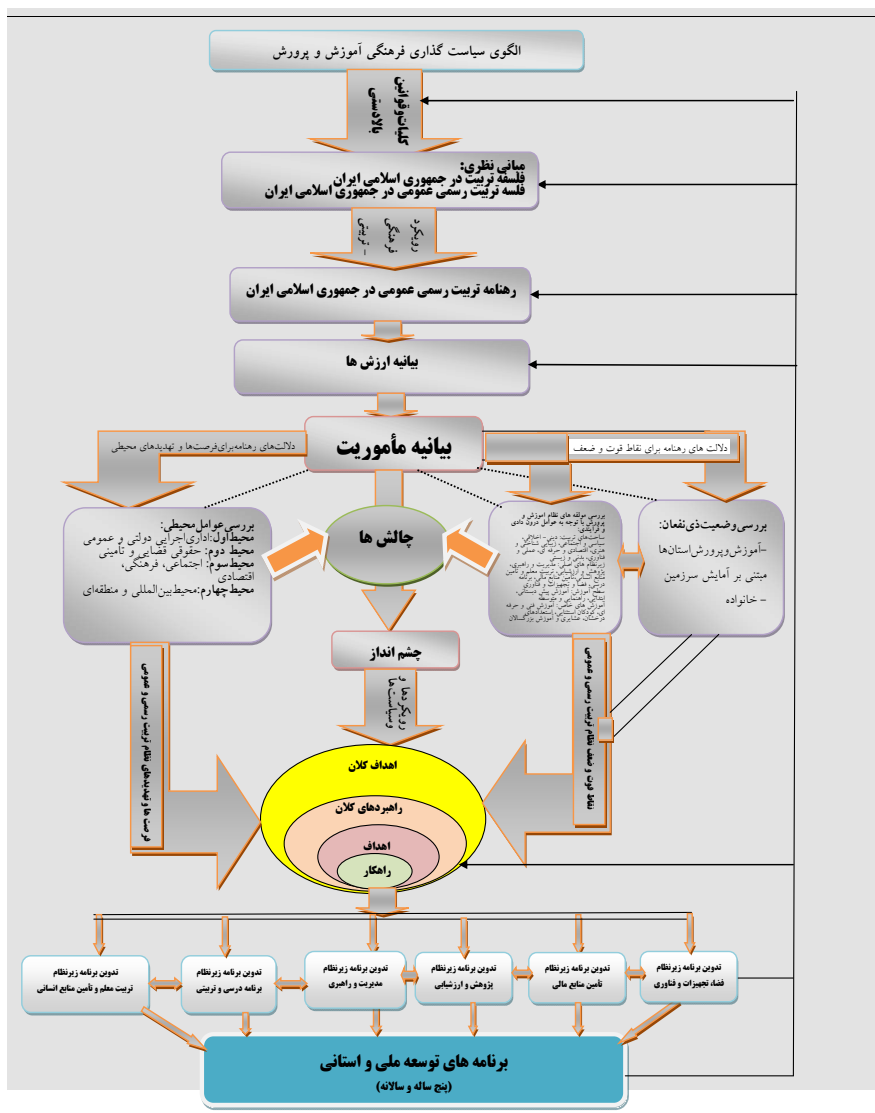
پژوهش محور نبودن اکثر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، ۱۰. مداخله فراوان دولت‌ها و دولتمردان و ۱۱. راهبردی نبودن اکثر سیاست‌های فرهنگی و غلبه نگاه جزءنگر، کوتاه‌مدت و سلیقه‌ای.

۴-۵. الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش

الگوی سیاست‌گذاری پیشنهادی، براساس یافته‌های علمی و پژوهشی، تجزیه و تحلیل الگوهای سیاست‌گذاری مشابه در داخل و خارج کشور و تجربیات زیسته پژوهشگر - به‌ویژه در عرصه سیاست‌گذاری کلان و راهبردی آموزش و پرورش و تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش - استوار است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌عنوان آخرین الگوی سیاست‌گذاری کلان و مصوب آموزش و پرورش، حاوی مجموعه‌ای از سیاست‌های استراتژیک و برنامه‌های راهبردی برای ایجاد تحولی عمیق و ریشه‌ای، همه‌جانبه، نظام‌مند و آینده‌پژوهانه و نیز مبتنی بر معارف اسلامی و آموزه‌های وحیانی است که ذیل سند چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ طراحی و تدوین شده است. این سند ابتدا به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش رسید، آنگاه در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، بررسی و تصویب شده و مبنای تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های این نهاد گسترده و سرنوشت‌ساز قرار گرفته است.

در این مدل، مطالعات نظری و فلسفی در حوزه تعلیم و تربیت، به‌عنوان گام نخست، نقطه آغاز حرکت قرار گرفت تا براساس یافته‌های آن، سایر اقدامات صورت پذیرد. پس از آن و در چارچوب یافته‌های مطالعات نظری و در یک اقدام هماهنگ و تعاملی، مؤلفه‌های درونی آموزش و پرورش، عوامل محیطی و ویژگی‌ها و شرایط استانی بررسی می‌شود. آنگاه از ترکیب و تلفیق داده‌ها و اطلاعات حاصل و در چارچوب مبانی نظری، رهنامه نظام آموزش و پرورش تدوین می‌شود و بر مبنای دلالت‌های مبانی نظری و رهنامه، بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز، سیاست‌های کلان و در نهایت برنامه راهبردی تدوین می‌شود. از آنجا که آموزش و پرورش یک نهاد فرهنگی - تربیتی است و تعلیم و تربیت در بستر فرهنگ جامعه جریان می‌یابد، رویکرد حاکم در این مدل «رویکرد فرهنگی - تربیتی» است. بدان معنا که تمام سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و نیز طرح‌ها، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در

این نهاد باید زمینه تربیت‌پذیری نسل جوان را متناسب با اقتضات فرهنگ اسلامی - ایرانی فراهم آورد. علاوه بر آن، رویکردهایی نظیر کاهش تمرکز، مشارکت‌پذیری، التزام به نظام معیار اسلامی، چابک‌سازی، مدرسه‌محوری و استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین نیز مورد توجه بوده است.



۶-۴. درجه تناسب الگوی سیاست گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش

الگوی طراحی شده در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان این حوزه قرار گرفت. اظهار نظر آنها به صورت طیف ۵ درجه‌ای و بر مبنای ۹ شاخص تنظیم شد. به منظور تعیین درجه تناسب الگو، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد و با مدنظر قرار دادن میانگین نظری ۳ ($\mu = 3$) به مقایسه آن با میانگین‌های تجربی حاصل اقدام شد. در ابتدا جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به دیدگاه متخصصان نسبت به الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به دیدگاه متخصصان نسبت به الگوی پیشنهادی

واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد افراد	
۰/۸۶۱	۰/۹۲۷۸	۴/۰۶۶	۳۰	تناسب الگو با مأموریت‌های آموزش و پرورش
۱/۰۱۶	۱/۰۰۸	۴/۲۶۶	۳۰	صحت ارتباط بین مؤلفه‌ها
۰/۸۵۱	۰/۹۲۲۷	۴/۳۸۱	۳۰	جامعیت و عمومیت الگو
۰/۹۲۱	۰/۹۵۹۵	۴/۲۷۵	۳۰	مانعیت الگو و پرهیز از مقولات اضافی
۱/۱۵۴	۱/۰۷۴	۴/۱۲۹	۳۰	شفافیت و وضوح الگو
۰/۷۶۴	۰/۸۷۴۲	۴/۲۱۶	۳۰	اجرایی بودن الگو
۰/۸۵۲	۰/۹۲۲۸	۴/۰۰۹	۳۰	انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با تحولات
۰/۵۰۶	۰/۷۱۱۱	۴/۱۹۱	۳۰	امکان نظارت و ارزشیابی بر الگو
۰/۴۶۱	۰/۶۷۸۹۱	۴/۵۶۶	۳۰	قابل درک و فهم بودن

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۹ شاخص سنجش درجه تناسب الگو از دیدگاه متخصصان بالاتر از میانگین ۴ هستند. جدول ۳ سطح معناداری الگو را با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای در مورد سطح معناداری الگو

ردیف	مدل نهایی	میانگین نظری	میانگین تجربی	اختلاف میانگین	میزان t	سطح معناداری
۱	تناسب الگو با مأموریت‌های آموزش و پرورش	۳	۴/۰۶۶	۱/۰۶۶	۷/۵۴۷	۰/۰۰۰
۲	صحت ارتباط بین مؤلفه‌ها	۳	۴/۲۶۶	۱/۲۶۶	۹/۹۵۱	۰/۰۰۰
۳	جامعیت و عمومیت الگو	۳	۴/۳۸۱	۱/۳۸۱	۱۱/۵۶۴	۰/۰۰۰
۴	مانعیت الگو و پرهیز از مقولات اضافی	۳	۴/۲۷۵	۱/۲۷۵	۱۰/۶۴۸	۰/۰۰۰
۵	شفافیت و وضوح الگو	۳	۴/۱۲۹	۱/۱۲۹	۸/۱۲	۰/۰۰۰

ادامه جدول ۳. نتایج آزمون t تکنمونه‌ای در مورد سطح معناداری الگو

ردیف	مدل نهایی	میانگین نظری	میانگین تجربی	اختلاف میانگین	میزان t	سطح معناداری
۶	اجرائی بودن الگو	۳	۴/۲۱۶	۱/۲۱۶	۹/۳۴۵	۰/۰۰۰
۷	انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با تحولات	۳	۴/۰۰۹	۱/۰۰۹	۷/۱۴۶	۰/۰۰۰
۸	امکان نظارت و ارزشیابی بر الگو	۳	۴/۱۹۱	۱/۱۹۱	۸/۳۷۸	۰/۰۰۰
۹	قابل درک و فهم بودن	۳	۴/۵۶۶	۱/۵۶۶	۱۲/۶۳۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد: الگوی ارائه شده از نظر شاخص‌های نه گانه بالا از نظر متخصصان با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفته است. درجه تناسب الگوی نهایی نیز ۴/۲۳۳ از ۵ بوده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد گسترده و پیچیده، نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز در فرایند رشد و توسعه کشور ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که وضعیت آینده جامعه را می‌توان در آینه امروز مدارس به نظاره نشست. آموزش و پرورش به مثابه پل ارتباطی، بین گذشته حال و آینده کشور پیوند برقرار می‌کند. موارد فرهنگی، اجتماعی، علمی و مهارتی دیروز را به زبان نسل امروز ترجمه کرده و در اختیار ایشان قرار می‌دهد تا برای زندگی فردا آماده شوند. از سوی دیگر، آموزش و پرورش رسالت خطیر شناسایی، پرورش و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را برعهده دارد تا در یک فرایند سنجیده و هوشمندانه، شایستگی‌ها و مهارت‌های خوب زیستن را در اختیار ایشان قرار دهد و آنان را برای زندگی بهینه و بانشاط در ابعاد فردی و اجتماعی آماده سازد. دامان پر مهر معلمان و دست نواز شکر مدیران، موانع حرکت را از فراروی نسل جوان می‌زداید تا ایشان با کسب معرفت و شایستگی به‌صورت آگاهانه و آزادانه در مسیر تعالی و عبودیت به پرواز درآیند.

چشم‌انداز آموزش و پرورش در آینده، دورنمای نظام بسیار پیچیده‌ای است که در نگاه اول بروندهای نهایی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل تصور دارد، ولی با توجه به اینکه هر آینده‌ای مبتنی بر گذشته است، آینده آموزش و پرورش بر اساس عملکرد گذشته آن پیش‌بینی می‌شود و به عبارت دیگر، موقعیت‌های جدید حاصل پویایی و تحرک در موقعیت‌های گذشته است. ارزش‌ها و آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی که ریشه

در تعالیم انسان‌ساز مکتب وحی و مجاهدت‌ها و ایثار میلیون‌ها انسان آزاده و مؤمن دارد، میراث گرانبهایی است که حفظ و اشاعه آن، رسالتی خطیر برای نسل‌های آینده به‌شمار می‌رود و بی‌شک در این میان، نقش نظام آموزش و پرورش، بسیار مهم و حائز اهمیت است. در دنیای امروز که دشمنان دین‌مداری، آزادی و دانایی، به روش‌های مختلف ارکان و دستاوردهای انقلاب اسلامی را، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اعتقادی، مورد حمله‌های ناجوانمردانه قرار می‌دهند، اهمیت و نقش نظام آموزش و پرورش دوچندان شده است. مراجع و نهادهای سیاست‌گذار جامعه، با درک صحیح از این موقعیت، همواره دغدغه و توجه خود را در مورد ضرورت تحول و اصلاح نظام آموزشی ابراز داشته‌اند. رهنمودهای بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی که مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش را در رأس مسائل کشور دانسته‌اند و تأکیدات مکرر مقام رهبری، در آنجا که آموزش و پرورش را قاعده و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و بر اجرای برنامه تحول و به مرحله عمل رساندن آن تأکید می‌ورزند، از جمله مهم‌ترین دلایل و ضرورت‌های تحول بنیادین فرهنگی در این نهاد سرنوشت‌ساز به‌شمار می‌رود.

اکنون، جامعیت اسناد فرادستی نظام آموزش و پرورش، شامل «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش»، «نقشه جامع علمی کشور»، «فلسفه تربیت رسمی و عمومی»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «برنامه پنج ساله پنجم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور» و همسویی بسیار بالای آنها با یکدیگر، فرصتی ارزشمند را در اختیار مدیران ارشد و کارشناسان و معلمان آموزش و پرورش و سایر ارکان سهیم و مؤثر قرار داده است تا موجبات استقرار نظام آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران را با مزیت‌های رقابتی در سطح منطقه، در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ فراهم آورند. بی‌تردید برنامه‌ریزی و فعالیت در این نهاد سترگ و آینده‌ساز، نیازمند بهره‌مندی از سیاست‌های دقیق، عمیق و اثربخش است و دستیابی به چنین سیاست‌هایی در گرو برخورداری از الگوی سیاست‌گذاری کارآمد و تعالی‌آفرین است تا در یک فرایند علمی، همه‌جانبه‌نگر، آینده‌پژوهانه و پژوهش‌محور، بتواند برچالش‌های فراوی فائق آمده و به سؤالات امروز و فردای جامعه در حوزه تعلیم و تربیت؛ به‌صورت هوشمندانه و اثربخش پاسخ دهد. در همین راستا، الگوی ارائه شده در این مقاله به‌منظور ارتقای سیاست‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش طراحی شده است.

فهرست منابع

۱. پرویزی، سرور، مهوش صلصالی و محسن ادیب حاج باقری (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی، تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۲. جانباز، دیان و مجید بیات (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مبانی و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۳. صالحی امیری، سیدرضا و امیر عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. عالمی، مسعود (۱۳۸۶). «جایگاه ابزارهای سیاست‌گذاری در مهندسی فرهنگی کشور»، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد، شماره ۴۵: ۱۵۲-۱۳۹.
۵. فرخی، میثم (۱۳۹۳). الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مساجد در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکترا، دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
۶. لوتان، کوی (۱۳۷۸). آموزش و پرورش، فرهنگ‌ها و جوامع، ترجمه محمدیمینی‌دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. مشبکی، اصغر و علی‌اکبر خادمی (۱۳۸۷). «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال ۹، شماره ۴: ۱۷۷-۱۳۳.